



علیه سرمایه

تربیون کارگران ضد سرمایه داری
شماره ۶۰ / اردیبهشت هزار و چهارصد و یک

به مناسبت روز جهانی کارگر

«روز کارگر»! آنچه هست و آنچه باید باشد!

اول ماه مه و کارگران بخش آموزش

به مناسبت روز جهانی کارگر

کارگران ضد سرمایه داری / اول ماه مه ۲۰۲۲

طبق گزارش سازمان "آکسفام"، در سال ۲۰۲۱، مجموع ثروت ۱۰ میلیارد جهان از ۷۰۰ میلیارد دلار به ۱۵۰۰ میلیارد دلار یعنی بیش از ۲ برابر افزایش یافته است. در همین مدت ۱۶۰ میلیون نفر به زیر خط فقر اضافه شده اند. ۹۷ میلیون نفر درآمدی کمتر از ۲ دلار داشته اند و این درآمد ناچیز به مرگ ۲۱ هزار نفر انجامیده است. آثار و عوارض اجتماعی این آمارها کاملاً محسوس و تکان دهنده است. کدام روز است که قیافه غمبار هزاران کودک گرسنه را از صفحه تلویزیون و موبایلها مشاهده نکنیم. سیل میلیونی مهاجرین به دنبال کار و فراری از جنگ را به چشم نبینیم که بدون داشتن ابتدائی ترین مایحتاج معیشتی، بدون دسترسی به مدرسه و آموزش و دارو و درمان، اسیر عظیم ترین تحقیرها، توهین ها و گرسنگی ها هستند. کدامین روز را به خاطر می آوریم که صدها کارگر در جنگ میان این و آن دولت جنگ افروز سرمایه، در خون خویش نغلتیده باشند. هم اینک در اوکراین میلیونها کارگر در میان شعله های جنگ می سوزند. فاشیسم دینی امروز در شکل صدها شبکه جنایتکار به ویژه ممالک خاورمیانه و شمال افریقا را جولانگاه توحش خود ساخته است. کشتار ادامه دار کارگران فلسطین توسط دولت دینی نژادپرست اسرائیل را همچنان بطور روزمره نظاره می کنیم. وجود میلیاردها کارگر گرسنه، فاقد آب آشامیدنی سالم، فاقد حداقل بهداشت و درمان و سرپناه، غرق در اعتیاد و مجبور به تن فروشی برای ارتزاق روزانه، وجود صدها میلیون کودک کار آماج وحشیانه ترین شکل استثمار، شکل روتین زندگی در جهان امروز است.

جهان موجود، جهان سرمایه است و دنیای واقعی سرمایه عین همین هیولایی است که تصویر شد. اگر بند بند وجود دنیای حاضر را گرسنگی، جنگ، آلودگی و تخریب محیط زیست، فاشیسم دینی و ناسیونالیستی و اینگونه فجایع می سازند یک دلیل بیشتر برایش نیست. صاحبان سرمایه و دولتهای سرمایه داری هستند که در پاسخ به نیازهای ارزش افزائی سرمایه، این وضع را پدید می آورند. ریشه گرسنگی ها در وجود رابطه خرید و فروش نیروی کار و تشدید هولناک استثمار کارگران توسط سرمایه است. بیماری های مهلک ناشی از بی بهداشتی را سرمایه می زاید.

ویرانسازی طبیعت و تخریب محیط زیست، از سوداندوزی سرمایه نشأت می گیرد. داعش و القاعده و طالبان و همه مافیاهای جنایتگر، محصول مستقیم گرسنگی، بی دانشی و مذهب پروری سرمایه اند. بیکاری، آوارگی و بی مسکنی حاصل موجودیت سرمایه داری است. یک سؤال بسیار اساسی و حیاتی در اینجا مطرح می شود. اگر تمامی این بشرستیزیها، از عمق هستی سرمایه پمپاژ می شود، پس چرا کارگران دنیا همه کار می کنند و تنها کاری که انجام نمی دهند جنگ واقعی علیه سرمایه و برای نابودی سرمایه داری است؟! پاسخ سؤال اگر نه خیلی ساده اما هیچ رمزآمیز هم نیست.

ذات وجود سرمایه وارونه نمائی کل واقعیتهای اجتماعی آفریده خود است. نیروی کار کارگر را می خرد اما القاء می کند که کل کار او را خریده است و بهایش را هم پرداخته است!! عظیم ترین بخش کار کارگر را اضافه ارزش و سود خود می سازد اما منشأ این سود و اضافه ارزش و کل وجود خود را که فقط کار پرداخت نشده کارگر است انکار می کند!! شروط ارزش افزائی و سودآفرینی هر چه بیشتر خود را مصالح زندگی عموم می خواند!! دولت خود را نهاد نظم زندگی همگان می نامد!! قانون و حقوق و مدنیت و مناسبات پاسدار بقای خود را شیرازه آرامش و امنیت شهروندان نام می نهد!! سرمایه همه چیز را تحریف شده در ذهن، فکر، شعور و شناخت انسان ها جا می اندازد و زیر سایه این وارونه سازی ها، ماهیت بشرستیز خود را پنهان می گرداند. سرمایه، صاحبان خود را بر سر سهم اضافه ارزش ها و تقسیم سودها به رقابت و جدال با هم وا می دارد. عده ای را حاکم و عده ای را به موقعیت اپوزیسیون می راند. اپوزیسیون ها لباس مختلف می پوشند، راست، چپ، میانه، محافظه کار، سوسیال دموکرات، لیبرال، فاشیست، نازیست، اصلاح طلب، اصولگرا و هر چیز دیگر تن می کنند. بخشهایی حتی ادعای کمونیست بودن می کنند!! همه این ها به سراغ کارگران می آیند. کل مناقشات خود با رقبا بر سر سهم سود ها و قدرت ها را رهایی توده کارگر از ورطه استثمار و نابرابری و بی حقوقی القاء می کنند!! آنان از این طریق جمعیت عظیم بردگان مزدی ناراضی عاصی را فریب می دهند و قشون تسویه حساب خود با حریفان می سازند.

سرمایه در مواجهه با خشم و پیکار توده های کارگر از سناریوی دروغین «حق اعتصاب و تشکل»، توسل به قانون و مجلس و حق ساختن اتحادیه و سندیکا و حزب و مانند این ها هم در صورت لزوم بهره می گیرد. کار سندیکاها سوای کفن و کفن جنبش ما در نظم ارزش افزائی و حاکمیت سرمایه هیچ چیز دیگر نیست. پشت سر احزاب و دارو دسته های قانون مدار یا سرنگونی طلب، صف کشیده ایم و کار اینها صرفاً پانهادن بر روی شانه های قدرت ما و استقرار شکل معینی از سازماندهی رابطه خرید و فروش نیروی کار بوده است.

سرمایه به کمک تمامی این شگردها و ترفند ها است که طبقه ما را به وضعیت فاجعه بار

موجود انداخته است. وضعیتی که در آن محصول مستقیم کار و استثمار خویش را که از چنگ ما خارج و سرمایه شده است حق مسلم این مفتخوران می دانیم. ریشه گرسنگی و فقر و مرگ و میر ناشی از فلاکت خود را در وجود سرمایه، نمی بینیم!! اینکه فقط یکصدم جمعیت سرمایه دار دنیا از حاصل استثمار طبقه ما سرمایه ای به حجم چند ده برابر کل دار و ندار ۵ میلیارد نفوس همزنجیر ما در دستان خود متمرکز نموده اند برایمان امری عادی و متعارف و شاید هم محق جلوه می کند!! سیر صعودی میزان سرمایه ها در یک سوی و گسترش فقر و سیه روزی خود در سوی دیگر را پدیده ای قابل تحمل احساس می کنیم!! دولت سرمایه را نهاد حافظ منافع عموم به حساب می آوریم!! به قانون و قرار و نظم و نهادهای حقوقی سرمایه دخیل می بندیم!! و سرانجام پاره ای اعتراضات، مبارزات، خیزش ها و در نهایت سرنگونی طلبی های توخالی رایج را که هیچ تأثیر تعیین کننده ای حتی بر کاهش فشار استثمار و ستم های سرمایه داری ندارند، راه فرار از این جهنم به حساب می آوریم. ما سراسر قرن بیستم تا امروز از میدان واقعی مبارزه ضد سرمایه داری دور شده ایم. برای افزایش دستمزد، بهبود معیشت، آزادی های سیاسی، رفاه اجتماعی، رفع نابرابری های جنسی و قومی، بهبود محیط زیست، صلح و نوع اینها مبارزه کرده ایم اما این مبارزات عملاً و در واقع در چارچوب پذیرش ماندگاری سرمایه، اصلاح سرمایه داری و تعدیل جنایات این نظام چرخ خورده است. اینها نتایج شومی است که جدایی ما از ریل واقعی جنگ ضد سرمایه داری به بارآورده است.

توضیح واضح است که باید برای افزایش بهای نیروی کار، بهبود معیشت، رفاه اجتماعی، آزادی های سیاسی، رفع تبعیضات جنسی، بهتر شدن محیط زیست، محو کار کودکان و انبوه مسائل دیگر پیکار کرد. این را هر کارگری به طور مادرزاد می داند و تا هر کجا که بتواند انجام می دهد. کل بحث بر سر این است که هر گام مبارزه ما در هر کدام این حوزه ها باید مظهر تمام عیار جنگ ما علیه اساس موجودیت سرمایه داری باشد. مبارزه برای افزایش دستمزد مطلقاً معنایش این نیست که خواستار توافق کارفرمایان با چند تومان مزد بیشتر خود گردیم!! معنای ضد سرمایه داری و درست مبارزه آن است که بیلان کل تولید و کار سالانه خود را پیش چشم سرمایه داران و دولت هایشان قرار دهیم و به آنها اعلام داریم که ضد هر میزان سرمایه شدن محصول کار و تولید خود هستیم و برای گرفتن کل آن می جنگیم و به اندازه توان و قدرت خویش از شما می گیریم. کل این محصول باید صرف بهترین شکل نگهداری از سالمندان، معلولان، بازنشستگان و ازکارافتادگان شود. آب، برق، گاز، خورد و خوراک و پوشاک، مسکن، تلفن، اینترنت، دکتر، دارو، بیمارستان، مهد کودک، مدرسه و دانشگاه، همه و همه باید به طور کامل از سیطره خرید و فروش خارج گردد. در اعتراض به پدیده بیکاری، به جای درخواست بیمه بیکاری محقرانه، حرف ما این است که باید در همه زمینه های خوراک و پوشاک و مسکن و تفریح و

کل احتیاجات زندگی به بهترین وجه و در بالاترین سطح رفاهی تأمین و تضمین باشیم. در پیکار علیه تبعیضات جنسی سخن ما این است که رایگان بودن کار خانگی و تاثیر بارزش بر نرخ اضافه ارزش ها و سودها، ساز و کار مهم تحمیل این تبعیضات است. کار خانگی باید محو شود. در پروسه این امحاء، هرساعت کار افراد در خانه، از بارداری و زایمان و پرورش کودکان گرفته تا آشپزی و نظافت و نگهداری از بیماران، ساعتی از زمان اشتغال محسوب شود و میانگین سهم هر انسان از محصول اجتماعی به آن تعلق گیرد. هرشکل نابرابری میان زن و مرد در هر عرصه زندگی شخصی و اجتماعی، چند همسری محو و ازدواج افراد زیر ۱۸ سال ممنوع گردد. در عرصه مبارزه برای آزادی های سیاسی، به دنبال صدور جواز از نظام سرمایه برای آزادی تشکل و بیان و تظاهرات و اعتصاب نیستیم. با صدای رسا فریاد می زنیم که هر نوع دخالت هر نهاد دولتی در حوزه زندگی خصوصی و مبارزات اجتماعی خود را با قدرت سد می سازیم. در رابطه با مبارزه علیه آلودگی محیط زیست به عوامفریبی های دستگاههای قدرت سرمایه آویزان نمی شویم. مبارزه با هر نوع آلودگی زیست-محیطی را از طریق پیکار علیه اساس تولید برای سود، تعطیل فعالیت-های اقتصادی مخرب و آلاینده محیط زیست، منع هرنوع سرمایه شدن منابع طبیعی مانند جنگل، آب و زمین، دنبال می کنیم. در جنگ علیه دولت سرمایه، دست رد بر رژیم ستیزی بدون محتوای ضد سرمایه داری می زنیم.

با گفتن این حرف ها مسلماً صدای اعتراض تمامی رفرمیست ها از چپ تا راست در خواهد آمد. همه با هم فریاد سر خواهند داد که اینها خیالبافی است. از آنان می پرسیم که مگر وقتی شما غرق در مرداب رفرمیسم خواست افزایش چند درصدی دستمزد را به کارگران توصیه می کنید و زمانی که توده کارگر متوهم به رفرمیسم این مطالبه را پیش می کشند، صاحبان سرمایه سراسیمه به دست و پای کارگران می افتند و آمادگی فوری بدون قید و شرط خود را برای پرداخت این رقم اعلام می کنند؟! پس در هر حال باید جنگید. اما فرق این دو جنگ این است که در یکی، جنگ کنندگان لحظه به لحظه خود را نیرومندتر و سازمان یافته تر می سازند، در دیگری فقط طوق بردگی مزدی بر دست و پای خود را محکم می نمایند. تفاوت این دو جنگ آن است که یکی حتی زمانی که زمین و زمان را از های و هوی «سرنگونی و بر اندازی» پر می کند باز هم رفرمیسم خالص و عریان و سرمایه مدار است و دیگری ضد سرمایه داری و دارای بنمایه لغو کار مزدی است.

ما به جنبشی نیاز داریم که با افق لغو کار مزدی، در تدارک محو سرمایه داری، برای تحمیل تا سرحد ممکن انتظارات جاری توده های کارگر بر بورژوازی مبارزه نماید. توده های وسیع طبقه ما برای پیشبرد هر گام مبارزه طبقاتی خود علیه سرمایه نیازمند سازمانیابی آگاه سراسری خود هستند. این تشکل قطعاً نمی تواند سندیکا و اتحادیه و حزب باشد. تشکل مورد بحث باید تجلی

آگاه جمعیت هر چه کثیرتر آحاد کارگران، ظرف دخالتگری آگاهانه مستقیم و خلاق و نافذ همه این آحاد و کانون آموزش و رشد و ارتقاء مستمر آگاهی و اثرگذاری کل این توده ها باشد. این تشکل فقط و فقط شوراهای ضد سرمایه داری است. این تنها راه است و مابقی راهها همگی یکراست به گورستان است.

به اول ماه مه پردازیم. آنچه این سال ها زیر نام روز کارگر در تمامی دنیا برگزار می شود. نمایش بسیار مضحک، کاریکاتوری و کاملاً چندش باری است که رفرمیسم راست و چپ بر جنبش کارگری تحمیل نموده و هیچ نشانی از مراسم واقعی روز کارگر ندارد. توده کارگرانی که در سال ۱۸۸۶ میلادی در ایالت شیکاگو و برخی شهرهای امریکا به خیابان ها ریختند، علیه سرمایه شورییدند، سلاح اعتراض خود را به سوی سینه سرمایه داری نشانه رفتند. آنچه اینک می بینیم نه فقط هیچ نشانی از جدال ضد سرمایه بر چهره ندارد که از بیخ و بن سرمایه پسند و سرمایه مدار است. اکثریت قریب به اتفاق نیروهائی که فراخوان دهنده این سناریو هستند همان دار و دسته هائی می باشند که عصای دست بورژوازی برای کفن و دفن جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر بوده و هستند. سوسیال دموکراسی، اتحادیه های بزرگ و کوچک کارگری دنیا، دکه های حزبی و محافل در حال انقراض اردوگاه شوروی سابق، همه و همه در تحمیل وضعیت فاجعه بار موجود بر جنبش کارگری جهانی نقش داشته اند. مضحکه آفرینی آنها زیر نام مراسم روز کارگر نیز حلقه ای از زنجیره همان نقش بازی ها است. این سناریو باید پایان یابد و جای خود را به اول ماه مه سرمایه ستیز بسپارد. روز کارگر باید نمایش قدرت جنبش شورائی ضد کار مزدی در سراسر جهان شود. در هر کجا که هستیم، در هر کارخانه و کارگاه، مدرسه و بیمارستان، خطوط حمل و نقل، مزرعه، معدن، فروشگاه و دانشگاه، شوراهای ضد سرمایه داری خود را بر پای داریم. از درون شوراها مبارزه برای مطالبات جاری خویش را با جنگ سراسری طبقاتی علیه بردگی مزدی یکپارچه و یگانه سازیم.

«روز کارگر»! آنچه هست و آنچه باید باشد!

فعالین جنبش لغو کار مزدی / اول ماه مه ۲۰۲۲

مراسم موسوم به «روز کارگر» از دیرباز تا امروز به ویژه در طول دهه های اخیر، تصویر متضاد صف آرائی ها و سنگربندیهای بوده است که می تواند و باید خصلت نمای واقعی این روز و این نام باشد. روز کارگر در زمین زندگی و مبارزه طبقاتی، کلید واژه ای برای نمایش آمادگی، همبستگی، سازمان یافتگی، استواری، آگاهی، عزم جزم و اراده راسخ طبقه کارگر جهانی در مقابل سرمایه داری و بازخوانی مانیفست جنبش کارگری برای نابودی عاجل این نظام است. سخن از «روز کارگر» با هر روایت و تعبیر دیگر، نه فقط روز کارگر نخواهد بود که نمایش پیروزی بورژوازی در تصرف این مراسم و خارج ساختن آن از دست توده های کارگر است. حادثه سیاهی که دهه ها است اتفاق افتاده است و آنچه اینک زیر این بیرق می بینیم کمیک - تراژیک آزار دهنده ای از رقص کوکی محافل چپ نما یا عده ای کارگر در روال مناسک پردازی های بورژوازی است. روز کارگر یعنی اینکه کارگران جهان سطح موجود استخوان بندی شورائی ضد سرمایه داری خود را به نمایش نهند، اگر فاقد این سازمان یافتگی با این جهتگیری هستند، نقد ریشه ای خود برآرایش قوای روز را با هم در میان گذارند، کالبدشکافی رادیکال آنچه آنان را در راهبردهای انحطاط زای انحلال آمیز مسخ کرده است، تار و پود چاره گری انترناسیونالیستی سازند. استراتژی خروج آگاهانه، نقشه مند و عملی خود از آن وضعیت را شیرازه تصمیم گیری های سراسری کنند. روز کارگر اگر فاقد این شاخص ها است سوای مضحکه فریب و سناریوی تولید توهم چه معنا و موضوعیت دیگری دارد؟! تشکیل اجتماع با فراخوان این حزب، آن اتحادیه، یک سندیکا، مطالبه تضرع آمیز و زبوانه چند ریال مزد افزون تر یا معاش بهتر از سرمایه داران و دولت ها، عزیمت از همیشه کارگر ماندن، جاودانگی کار مزدی، ارجاع سرنوشت طبقه خویش و بشریت به افت و خیز پویه ارزش افزائی سرمایه، قفل کردن معیشت، سلامتی، رفاه، حقوق اولیه انسانی و همه چیز خود، به منشورها و مبانی ماندگاری سرمایه داری، سر دادن چند شعار ضد رژیمی یا تکبیر «سوسیالیسم، سوسیالیسم»!! چه ربطی به روز کارگردارد؟! چنین فرایض مسموم، مخدر و خماری زا چرا باید مهر کارگر بر خود گیرد?!!

جنبش کارگری جهانی نیازمند رمی جمره، سعی صفا و مروه، آویختن به دیوار ندبه، یا انجام عشاء ربانی نیست، به برگزاری مناسک ایدئولوژیک و نیایش های مکتبی احتیاج ندارد. پای بند تقدس آئین ها و تکریم سنت ها نیست، نماد هستی، میدانداری، بقای بالنده این جنبش دستاوردهای پیکارش در پهنه خارج سازی حاصل کار و تولید از چنگ سرمایه، از کارانداختن نظم اقتصادی، سیاسی، حقوقی، مدنی، فرهنگی، اجتماعی سرمایه داری، سازمانیابی سراسری قدرت کارزار طبقاتی علیه بردگی مزدی، اعمال این قدرت علیه سرمایه در کلیه عرصه های زندگی اجتماعی و چگونگی آرایش قوای روز در این جنگ ها و آوردگاهها است. روز اول ماه مه روز گزارش دستاوردها در این مصاف ها است. روز دیدار شوراها و ستادهای بین المللی جنبش شورائی سراسری ضد بردگی مزدی کارگران دنیا است.

نیاز به روضه خوانی در باره کارگران شیکاگو، دلیل خیزش یا پیام آنان به همزنجیران در دنیا و در تاریخ نیست، سخن از وضع حاضر جنبش کارگری و دستور کار روز آن برای پیگیری و پیشبرد کارزار طبقاتی ضد سرمایه داری است. برای اینکه روز اول ماه مه روز کارگر شود، باید جنبش کارگری جهانی خود را از گندزار تباهیهای انحلال جویانه قرن بیستمی خارج گرداند. کارگران همه جوامع باید جدال روز خویش برای بهبود معیشت، آزادی های سیاسی، حقوق پایه ای انسانی، چالش تبعیضات جنایتکارانه جنسیتی، آلودگی های زیست محیطی، کودک آزاری، زن ستیزی، جنگ و جنگ افروزی، نسل کشی و... را با پیکار مستقیم شورائی علیه شیوه تولید و مناسبات اجتماعی پاسدار این فاجعه ها جایگزین کنند. روز کارگر بدون این رستاخیز، بدون این جایگزین سازی رادیکال هیچ گاه روز کارگر نخواهد شد، اما از همین امروز، از اول ماه مه همین امسال می تواند نقطه آغاز پیکار برای تاختن به سوی حصول این هدف گردد. گام نخست این راه قبول دو نکته اساسی است. اول این که خیز عاجل جنبش کارگری برای ی خروج رادیکال از گندزار راهبردهای فاجعه آفرین تا کنونی، یگانه راه رهانی انسان از شر طغیانهای انفجارآمیز تضادهای سرشتی سرمایه داری است. دوم آنکه این برون رفت نه فقط هیچ آلیاژی از اتوپی بافی و رؤیاپردازی ندارد، که واقعی ترین و شدنی ترین استراتژی پیش پای طبقه کارگر و بشریت عصر است. دشواری راه مفروض است، اما قفل کردن فرار از دشواریها به چرخ خوردن در برهوت ها نه فقط راه تقلیل سختی ها نیست که فقط فرسودن، کاهیدن، مباران قدرت خود و لاجرم فروماندگی ماندگار در باتلاق سیاه روزی ها و تباهی ها است. باید دست به کار شد.

قدرت اختاپوسی سرمایه را باید با قدرت سازمان یافته شورائی ضد بردگی مزدی به مصاف کشید. باید با این قدرت در کلیه عرصه های زندگی اجتماعی وارد میدان کارزار شد. عزیمت از کارگر ماندن، همیشه مزدبگیر بودن، قفل زدن زندگی به افزایش مزد و خواست بهبود معاش از سرمایه داران یا دولت سرمایه، انتظار آزادی، حقوق انسانی، رفع تبعیضات جنسیتی یا آلودگی

های زیست محیطی از نظام بردگی مزدی را باید برای همیشه بر سینه دیوار کوبید، به جای مطالبه مزد افزون تر و معیشت بهتر، مانیفست تسلط بر سرنوشت کار، تولید و زندگی را با قدرت متشکل شورائی ضد کار مزدی بر سر سرمایه داران و دولت ها کوبیم، به جای تضرع برای آزادی، حقوق اولیه انسانی، کاهش تبعیضات، مپ قدرت سازمان یافته شورائی ضد سرمایه داری را بر بند، بند نظم سیاسی، مدنی، حقوقی و اجتماعی سرمایه داری فرو باریم. این کار را باید در تمامی کشورها، در همه میدان ها در کلیه قاره ها و اقلیم های جهان موجود شیرازه کار و زندگی روز خویش سازیم.

اول ماه مه را روز همبستگی و نمایش قدرت این جنبش در سراسر جهان سازیم. این همبستگی، همصدائی و همپیوندی انتزاسیونالیستی را در کارزاری متحد و مشترک برای تحمیل خواست های واحد بر نظام بردگی مزدی، در سراسر جهان، در همه کشورها، به نمایش در آوریم. سخن از تغییر ریل ریشه ای جنبش کارگری و اول ماه مه همگن با آن است. روز کارگر متناسب و همساز با این تغییر ریل، روز یا روزهای عروج کارگران دنیا در کمپینی سالانه، سراسری، انتزاسیونالیستی، برای تحقق مطالبات واحد عاجل، در نقطه، نقطه جهان موجود است. برهه زمانی معینی را برای این کمپین انتزاسیونالیستی کارگری و ضد سرمایه داری تعیین کنیم، پیشنهاد کنکرت ما آن است که در نخستین سال، خارج سازی کامل خورد و خوراک، پوشاک، مسکن، وسائل خانه، آموزش، بهداشت، دارو، درمان، مراقبتهای پزشکی، نگهداری معلولان و سالمندان، از هر نوع داد و ستد مالی یا چرخه خرید و فروش را لیست خواست های واحد کل کارگران دنیا در کل کشورها سازیم. کل این مایحتاج باید به طور رایگان در اختیار همه انسانها قرار گیرد.

کمپین انتزاسیونالیستی امسال را بر روی تحقق کامل این مطالبات متمرکز کنیم. اعلام نمائیم که در روز یا روزهای برگزاری کمپین، چرخ تولید و کار را در سراسر جهان از چرخش باز خواهیم داشت، نظم سرمایه را در همه اشکالش مختل خواهیم ساخت، قدرت متحد طبقاتی خود را به صف خواهیم کرد و این قدرت را همزمان در سراسر جهان علیه سرمایه اعمال خواهیم نمود. بیائید روز کارگر را روزی این چنین کنیم، درفش اول ماه مه را با لیست این خواست ها به اهتزاز در آوریم. بر بیرق این روز بنویسیم که کمپین و خواست های ما آژیر شروع جنگ طبقه ما برای نابودی کامل سرمایه داری است. فریاد زینم که در کنار این بیرق می جنگیم. بیرقی که گواه عزم راسخ انتزاسیونالیستی کارگران دنیا برای رهائی فرجامین بشریت است.

اول ماه مه و کارگران بخش آموزش

امید خرم / اردیبهشت ۱۴۰۱

با توجه به صحت‌های روی دررو با دوستان، یادداشت های کوتاه، مصاحبه هایی مبنی بر اوجگیری مبارزات کارگری در ایران و بی عملی کارگران اروپا، اشاره ای مختصر به شرایط حاضر را لازم می بینم. شکی نیست که جنبش کارگری ایران در سال های اخیر گسترش یافته است. در این سال ها اعتصابات و اعتراضات کارگری از مرز چهار هزار هم عبور کرد. بارها در یک روز شاهد دهها اعتصاب و اعتراض بوده ایم. آنچه مهم و مورد پرسش است آنست که چرا این جنبش با تمام گستردگی اش نتوانسته است خواستها و مطالباتش را حتی در محدوده افزایش دستمزد به رژیم اسلامی سرمایه تحمیل کند؟ چرا با تمام کارهایی که کرده ایم در پله اول ایستاده ایم؟ کارگران ضد سرمایه داری و فعالان جنبش لغو کارمزدی در مقالات بسیار این موضوع را کاویده اند. ما کارگران به کرات تجمع و بست نشینی کرده ایم. با بازکردن سفره خالی کودکانمان در مقابل بنگاههای مالک تریلیون ها تومان حاصل کارخویش یا کاخهای حاکمیت سرمایه از رژیم حاکم طلب ترحم نموده ایم. در این مبارزات به عنوان کارگران فلان شرکت، فلان سرمایه دار درمحوطه محدود محل کار صدای اعتراض به آسمان رسانده ایم.

اما ما هیچ گاه به نام طبقه کارگر، علیه اساس استثمار خود توسط سرمایه ، علیه تسلط طبقه سرمایه دار و دولتش بر کل حاصل کار، تولید و زندگی خود کلامی بر زبان نیاورده ایم، مبارزات خود را به تمنا از سرمایه داران برای چند ریال مزد افزونتر محدود ساخته ایم. همیشه کارگر ماندن و همیشه برای سرمایه داران کار کردن و سرمایه آفریدن را شالوده زندگی و شعور خود نموده ایم. اگر اهل فکر باشیم در می یابیم که سؤال اساسی این نیست که چرا این مبارزات دستاوردی نداشته است، سؤال واقعی آنست که چرا باید کمترین دستاوردی داشته باشد؟! وقتی که کل داد و قال، اعتراض و جنگ ما بر سر داشتن

لقمه ای نان با هدف داشتن جان، برای تولید کوه آسای سرمایه طبقه سرمایه دار است، وقتی ما با هر نفس کشیدن خود اساس کارگر ماندن خود را تأکید می کنیم و مقبولیت سرمایه داری را مهر تأیید می کوئیم، پس حق مسلم سرمایه داران است که فقط بر سر چگونگی بازتولید شدن و نشدن نیروی کار ما برای تولید سود و سرمایه خودشان وارد چانه زنی شوند. از این هم فراتر وقتی ما اساس حاکمیت، بقا، استثمارشوندگی خود و استثمار کنندگی سرمایه را قبول می کنیم، وقتی قانون و حقوق و دولت و نهادهای دولتی سرمایه را احترام می گذاریم و معتبر می دانیم، پس چرا سرمایه داران نباید حق داوری در مورد بازتولید شدن و نشدن یا چگونگی بازتولید نیروی کار ما را حق خاص خود پندارند و در مقابل موج اعتراض ما اعلام دارند که خودشان تصمیم می گیرند؟!.

آیا همه اینها بدان معنی نیست که مبارزات ما و جنبش جاری ما با این راهبرد در ذات خود شکست آمیز و محکوم به تحمل شکست بعد از شکست است؟. پاسخ منفی به این سؤال فقط خودفریبی و عوامفریبی است. اگر بناست شکست نخوریم و دستاوردی داشته باشیم باید ریل پیکار ما دچار تغییر بنیادی گردد. در این مورد به اندازه کافی بحث کرده ایم و هر روز بحث خواهیم داشت. عجالتا از واقعیت تیره و تار مبارزات روز خود صحبت کنیم. اندکی شعور خود را به کار اندازیم تا دریابیم که در چه منجلابی غوطه می خوریم. به وضع کارگران آموزش و مبارزات آنها نظر اندازیم. دردناک و فاجعه آمیز است. این بخش همزنچیران ما یک جمعیت عظیم یک میلیونی را تشکیل می دهند و با افراد خانواده خود ۱۰ درصد کل نفوس جمعیتی طبقه کارگر ایران را به وجود می آورند. از این ویژگی مهم برخوردارند که هر میزان مبارزه و اعتراضشان به طور طبیعی و جبری قالب سراسری احراز می کند. معلمان بنا به نوع کار خود با سایر بخش های طبقه کارگر در ارتباط فعال هستند و اعتراضات آنان از گسترده ترین و بی دریغ ترین حمایت های کل توده طبقه برخوردار می شود. کارگران آموزش چنین وضعی دارند اما هنوز که هنوز است بخش غالب این جمعیت غرق در افکار منحط و خرافه های پوشالی ساخته و پرداخته سرمایه، خود را کارگر نمی دانند، برای خود هویت موهوم و مریخی «طبقه متوسط» جعل می کنند، از توده های کارگر فرار می نمایند. با مبارزاتشان همراهی نمی کنند، حتی یک دقیقه در جانبداری از هزاران اعتصاب آنان چرخ کار را تعطیل نکرده اند، به زبانهای مختلف از جمله با زبان وزارت اطلاعات سرمایه و زبان اطلاعات سپاه پاسداران

کثیف ترین و بی شرمانه ترین اهانت ها را نثار کارگران عاصی و به ستوه آمده از فشار استثمار و بربریت سرمایه داری نموده اند. (به سخنرانی حبیبی ضد کارگر دقت کنید) آنچه این به اصطلاح معلم بی فرهنگ، فاشیست و عمله فکری سرمایه در کلاب هاوس بر زبان رانده، مو به مو حرفهای اطلاعات سپاه در مورد میلیون ها کارگر گرسنه، خشمگین و مبارز است. او این ترهات شوم را به عنوان چکامه خوشرقصی و قصیده آستانبوسی در آستان قدرت بورژوازی سر داده است و هیچ معلمی هم در هیچ کجا کمترین سرزنشی نثار او ننموده است!!

نهاد سرسپرده سرمایه موسوم به کانون صنفی معلمان، به گونه ای زمخت و متأثر از مهندسی افکار بورژوازی، کارگران آموزشی را «طبقه متوسط» می خواند. پدیده ای که به عالم افسانه ها تعلق دارد و در شیپورها ساز می شود تا بر روی آرایش قوای طبقاتی درون جامعه موجود و جنگ طبقه کارگر علیه سرمایه داری پرده اندازند. هر کدام از سردمداران کانون صنفی می کوشند تا معلمان را خدم و حشم یکی از جناح های بورژوازی مانند دوم خردادی ها، جبهه ملی، سلطنت طلبان و نوع اینها سازند. در تجمعاتی که برگزار شده است هر کارگر آموزشی، صنعتی، «خدماتی» که می خواست از معلمان حمایت کند، سردمداران کانون به شدت جلوگیری می کردند. انجا که معلمی از همبستگی واتحاد با دیگر همزنجیران سخن می راند، کانون چی ها بازور و نفرت از صحبت کردن او جلو گیری می نمودند. اگر دست کارگری برای گرفتن تریبون دراز می شد تا صدای طبقه خود را به گوش عموم رساند، عوامل کانون او را طرد و لعن می نمودند، عواملی که از قبل خود را سازمان دهی کرده بودند، کارگری را که بر سکو ایستاده بود به زیر می کشیدند. این سیاست نفرت انگیز کانون البته تک صداهای اعتراضی را در شهرستانها به دنبال آورد تا انجا که کارگران معترض درتجمع ها، ازهمبستگی با دیگر کارگران سخن گفتند. اما کانون صنفی منحل در سیاست های بورژوازی تا امروز از سوی قاطبه معلمان نقد نگردیده است .

یکی از کارگران آموزشی می گفت: در این مدت فقط تمرین تمکین به قانون سرمایه کردیم. به ما آموختند که حریم نظام کارمزدی را پاس داریم. مطالباتمان را به نظم سرمایه میخ کوب کنیم و از همبستگی با سایر کارگران مزدی دوری گزینیم. تحت تعالیم کانون از نمایندگان بورژوازی و پاسداران سرمایه درخواست حمایت کردیم، همه راهها را رفتیم و تنها

کاری که هیچ گاه نکردیم مبارزه طبقاتی ضد سرمایه داری بود. اعضای کانون کم یا بیش متوجه زاویه داشتن کارگران با مشی بورژوازی نسخه پیچی خود شده اند. آنان از این که اعتراضات رادیکال شود و منجر به کنار گذاشتن کانون صنفی شود وحشت دارند. سخت به تکاپو افتاده اند تا جلو هر جهتگیری رادیکال را بگیرند. رؤسای کانون صنفی معلمان برای حفظ زعامت خود بر کارگران آموزش بارها به شهرستانها سفر کردند و با فعالان این بخش کارگری گفت و گو نمودند.

بیانیه کانون در رابطه با اول ماه مه و فایل صوتی منتشره آنان کپی بیانیه سایر احزاب بورژوازی است. در شرایطی که سناریوی رسوای دموکراسی دهه ها است آخرین بارقه های تمایز خود با فاشیسم و سایر رویکردهای را تسلیم بایگانی تاریخ کرده است، نیش قهرشدگان کانون صنفی از والدین دانش آموزان می خواهند تا در برابر کاخ قانون گذاری جمهوری اسلامی مراسم استغاثه دموکراسی بر پا کنند و برای اجابت نذر و نیازهای خود به نیایش پردازند. کانون هیچ علقه و پیوندی با طبقه کارگر ندارد. از کارگران می خواهد که طوق بردگی سرمایه را بر گرده خود مستحکم و مستحکم تر کنند. مکان برگزاری مراسم اول ماه می توانست جلوی یکی از کارخانه ها و یا فضای باز باغ اناری درب ایران خودرو باشد. اما کانون چی ها حاضر به این کار نیستند، زیرا می دانند که چنین اقدامی مورد رضایت حاکمان سرمایه نیست و آنچه مورد تأیید حکام سرمایه نیست خط قرمز رؤسای کانون است.

وضع جنبش معلمان به عنوان ۱۰٪ کل جنبش کارگری ایران چنین است. معلمان تاریخا محافظه کارترین بخش طبقه کارگر را تشکیل داده اند، به لحاظ تحصیلات و سواد مکتبی از سایر کارگران جلوترند اما اگر آگاهی را هستی آگاه طبقاتی انسانها بدانیم - که یقینا چنین است - آنها علی العموم از بقیه همزنجیران عقب تر و سازشکارترند. با همه این ها یک بخش کاملا کلیدی جنبش کارگری می باشند و قفل شدن آنها به نسخه پردازی های کانون ضربه ای ویرانگر بر پیکر پیکار طبقاتی توده کارگر است. وظیفه یکایک معلمان است که برای خروج مبارزات خود از دست اندازی کانون و ره بردن کارزارها به سمت مبارزه واقعی ضد سرمایه داری تلاش کنند. هر گام پیشروی پیکار توده های کارگر آموزش در این راستا می تواند نقشی مهم و اثرگذار در استخوان بندی نیرومندتر کل جنبش کارگری داشته باشد. معلمان باید هر چه فعال تر و رادیکال تر دست همپیوندی

به سوی کل توده همزنجر دراز کنند، مقدم بر هر چیز باید سر بورژوازی را از روی تنه خود بردارند و از وصله پینه کردن خود با طبقه سرمایه دار یا «طبقه متوسط» خواندن خویش دست شویند. باید با صدای بلند فریاد زنند که کارگردند. بخشی از طبقه کارگر می باشند، گردانی از لشکر کارزار ضد سرمایه داری جنبش کارگری می باشند. باید فریاد زنند که دست در دست همه کارگران آماده جنگ علیه سرمایه اند، آماده تلاش برای ارتقاء طبقه خود به یک قدرت متحد، سازمان یافته، شورائی، آماده کارزار علیه سرمایه در کلیه عرصه های زندگی اجتماعی می باشند. آماده مبارزه برای محو نظام بردگی مزدی هستند. ما از توده وسیع کارگران آموزش می خواهیم که روز اول ماه مه را روز اعلام این آمادگی ها سازند. همه جا تریبون ها را از دست کانون چپ های عمل فکری سرمایه بگیرند، همصدائی ضد سرمایه داری خود را به گوش همه کارگران برسانند. کل توده کارگر را دعوت به همسنگری، همزمی و جنگ متحد علیه سرمایه کنند. به تمامی همزنجیران هشدار دهند که باید بساط مبارزه قانونی را جمع کرد، مبارزه برای چند ریال مزد افزون تر یا تکی آزادی، حقوق انسانی، رفع ستم جنسیتی از دولت بورژوازی را با جنبش سراسری شورائی برای تسلط بر حاصل کار، تولید و زندگی جایگزین نمود. باید باور به کارگر ماندن را از وجود خود پالایش کرد، باور به ماندگاری سرمایه داری را از شعور خود جاروب نمود. باید یک قدرت سازمان یافته شورائی ضد کار مزدی گردیم. بیاید چنین کنید و اول ماه را سرآغازی برای برپائی یک جنبش واقعی رادیکال کارگری سازیم.

آن ها کتاب قانون و نظام دارند.

آن ها زندان و قلعه دارند.

آن ها قاضی و زندانبان دارند که پول هنگفت می گیرند و به هرکاری تن در می دهند.

آن ها مطبوعات و چاپخانه دارند تا با ما بستیزند و دهامان را به بندند.

آن ها کشیش و پروفیسور دارند که پول هنگفت می گیرند تا با ما بستیزند.
به راستی باید از حقیقت چنین به هراس آیند !

برتولت برشت

از کارگری در محضر دادگاه پرسیدند: مایل است به روش دنیوی سوگند

بخورد یا به روش کلیسایی؟

جواب داد: (من بیکار هستم.)

اصلا در این گفته اش نشانی از حواس پرتی در میان نبود. او با این جواب

خاطر نشان کرد که در وضعیتی به سر می برد که طرح چنین پرسش هایی و

حتا دستور چنین دادگاهی، برایش پیشیزی ارزش ندارد!

برتولت برشت



ما عدهای کارگرم، تا چشم باز کرده‌ایم شاهد استثمار وحشیانه پدران و مادران، همسایگان و اهالی محله کارگرنشین خود و همه کارگران توسط سرمایه‌داران و سرمایه بوده‌ایم. با گوشت و پوست و رگ و خون خود لمس نمودهایم که کلیه سرمایه‌ها و ثروتها توسط طبقه ما تولید میشود و دنیای فقر و فلاکت و سپهرزینها نیز بیش از پیش بر سر طبقه ما آوار می‌گردد. هرچه بیشتر تولید کرده‌ایم عمیق‌تر از وسائل کار و تولید و محصول کار خود جدا شده‌ایم. هرچه بر قدرت سرمایه افزوده‌ایم خود فرسوده‌تر و حقیرتر شده‌ایم. با چشم باز و با همه وجود مشاهده کرده‌ایم که دولت، ارتش، قانون، حقوق، اخلاق، فرهنگ، پلیس، دین، مسجد، منبر و همه چیز جامعه موجود متعلق به طبقه سرمایه‌دار. مدافع سرمایه‌داری، علیه ما و در خدمت ماندگاری استثمار وحشیانه ما توسط سرمایه است. همه شعور و شناخت و ذهن و فکر و عقل و احساس و ادراک ما با این واقعیتها آمیخته است. ما به حکم کارگر بودن خویش به صورت خودجوش، ضد سرمایه‌داری و علیه بردگی مزدی هستیم. فلسفه و دانش و تخصص و فضل و بزمای هم لازم نیست تا ضدیت با سرمایه را به ما بیاموزد. ریشه و بنیاد سرمایه‌ستیزی خودجوش ما در اینجا، در عمق این واقعیتها است. ما گروه، حزب، سازمان، کمیته و هیچ دار و دسته‌ای نیستیم. اینگونه تشکلهای را که از بالای سر کارگران ساخته می‌شوند ابزار تبدیل جنبش طبقه ما برای چانه‌زنی با سرمایه‌داران و کسب قدرت دولتی می‌دانیم. این نوع تشکلهای ساختاریها حتماً اگر با جنجال‌های ضد سرمایه و چپ‌نمایانه همراه باشد، راه و رسمی غیر کارگری است. سازمانیابی طبیعی طبقه ما شورا است. در متن مبارزه شورائی باید با هم به گفتگو بنشینیم، تجارب و آگاهی خود را به هم منتقل کنیم و برای ارتقای رویکرد ضد سرمایه‌داری خودجوش طبقه خود بکوشیم. ما این نشریه را منتشر نمی‌کنیم تا مبارزات کارگران را رهبری کنیم! نه فقط چنین ادعایی نداریم که هرگونه مرجع و مقلد و هرمیزان تبعیت جنبش کارگری یا توده کارگر از اراده رهبران را فاجعه‌ای برای این جنبش و انحراف از ریل واقعی بیکار ضد سرمایه‌داری می‌دانیم. می‌خواهیم که این نشریه تریبونی برای اثرگذاری سرمایه‌ستیزی در مبارزه روز ما کارگران باشد اثرگذاری تعداد هرچه بیشتری از کارگران در تعیین راه و رسم و پیچ و خم مبارزه طبقاتی برای رفع و دفع تعرضات همیشگی سرمایه‌داران و رهایی نهایی از شر وجود سرمایه‌داری، هدف انتشار «علیه سرمایه» است.

website
Email
telegram
instagram

www.alayhesarmaye.com
kargarshora19@gmail.com
@ alayhesarmaye
@ alayhesarmaye